



- جلسه قبل کل سوره مبارکه ابراهیم (ع) به صورت اجمالی بررسی شد.

- حضرت علامه آیات ۱ تا ۵ را دسته اول در نظر گرفته‌اند:

دسته اول آیات ۱ تا ۵:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۱)
الف، لام، را. [این] کتابی است که آن را به سوی تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارش از تاریکی‌ها به سوی روشنایی در آوری، به راه آن شکست‌ناپذیر ستوده.
اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۲)
خدایی که هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است از آن اوست، و وای بر کافران از عذابی سخت.
الَّذِينَ يَسْتَحْيُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۳)
همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و از راه خدا باز می‌دارند و آن را منحرف می‌خواهند. آنها سخت در گمراهی هستند.
وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانَ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)
و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنها بیان کند.
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۵)
و همانا موسی را با آیات خود فرستادیم که: قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای [عبرت انگیز] الهی را به آنان یادآوری کن که قطعا در این [یادآوری] برای هر صبر پیشه شکرگزاری عبرت‌هاست.

- بیان شد سوره مبارکه ابراهیم (ع)، سوره بهره‌مندی از کتاب و قوانین آن است تا انسان‌ها را از ظلمات به سمت نور ببرد. سوره ابراهیم (ع)، سوره تبیین صراط عزیز حمید خداوند است و این سوره، انسان را به عزتی با شکوه می‌رساند، عزتی ستودنی. نمونه این عزت ستودنی در این سوره را به طور مشخص در داستان حضرت موسی (ع) و ماجرای حضرت ابراهیم (ع) مشاهده می‌کنید. در مسائلی که بیان شده است عزت ستودنی و با شکوه کاملاً دیده می‌شود که جلوه همان صفت «عزیز حمید» است و در آیات ابتدایی سوره آمده است. در آیه ۱ آمده: «این صراط خدایی است که عزیز حمید است» یعنی هر کسی هم که در این صراط قرار می‌گیرد متصل به صفت عزیز حمید می‌شود. در ضمن بیان شد این سوره ارتباط زیادی با سوره حمد دارد و تلفیقی از مفهوم «عزت» و «حمد» است.

- در آیه ۱، خروج از ظلمات به سمت نور را برای همه مردم رقم می‌زند. (لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ). قرآن کتابی است که آمده تا همه مردم را نجات دهد و به هیچ قوم و قبیله و گرایش خاصی هم اختصاص ندارد. هر کسی به هرگونه‌ای که هست اگر خودش را در دامن کتاب بیاندازد ره به سعادت خواهد برد و از ظلمات بیرون خواهد آمد.

- ادامه آیات:

- آیه ۵: ابتدا مطالبی که درباره کل سوره بیان شد در داستان حضرت موسی (ع) عیناً تکرار می‌کند. داستان حضرت موسی (ع) نیز آیاتی دارد که آمده تا با آن آیات، قومش را از ظلمات به سمت نور برد. اما در این آیه تکنیک خاصی را بیان کرده است که حضرت برای این مسئله استفاده می‌کند. آن تکنیک عبارت است از «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ».

- حضرت علامه طباطبایی درباره این آیه فرموده‌اند:

"وَ ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ" شکی نیست که مراد از "ایام"، ایام مخصوصی است و نسبت دادن ایام مخصوص به خدا با اینکه همه ایام و همه موجودات از خداست، حتماً به خاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص به وجود آمده و امر خدای تعالی را ظاهر ساخته است که در دیگر ایام چنین ظهوری رخ نداده است، پس به طور مسلم مقصود از ایام خدا، آن زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده و یا ظاهر می‌شود، مانند روز مرگ که در آن روز سلطنت آخرتی خدا هویدا می‌گردد و اسباب دنیوی از سببیت و تأثیر می‌افتند و نیز مانند روز قیامت که هیچ‌کس برای دیگری مالک چیزی نیست و برای کسی کاری نمی‌تواند بکند و همه امور، تنها به دست خداست و نیز مانند ایامی که قوم نوح، عاد و ثمود در آن ایام به هلاکت رسیدند، چون این‌گونه ایام، ایامی هستند که فخر و غلبه الهی در آن ظاهر گشته و عزت خدایی، خودنمایی کرده است.

ممکن هم هست ایام ظهور رحمت و نعمت الهی، جزء این ایام بوده باشد، البته آن ایامی که نعمت‌های الهی آن‌چنان ظهوری یافته که در دیگر ایام به آن روشنی نبوده است، مانند روزی که حضرت نوح و یارانش از کشتی بیرون آمدند و مشمول سلام و برکات خدا شدند و روزی که ابراهیم (ع) از آتش نجات یافت و امثال اینها، زیرا این‌گونه ایام، مانند ایام مذکور دیگر، در حقیقت نسبتی به غیر خدا نداشته، بلکه ایام خدا و منسوب به اویند، هم‌چنان که ایام امت‌ها و اقوام را به آنها نسبت داده که از آن جمله است ایام عرب، مانند "روز ذی قار" و "روز فجار" و "روز بعثت" و امثال اینها.

- با توجه به توضیح حضرت علامه، همه روزها، روزهای خداست اما بعضی از روزها از لحاظ سعادت و یا شقاوت و ... بسیار واضح است. هر جا و موقعیتی که در آن، دست غیب خدا ویژه دیده می‌شود آن روزها ایام خداست.

- نکته مهم: انسان می‌تواند با موضوع ایام‌الله حجت را تمام کند برای اینکه دست غیب وجود دارد. صحنه‌هایی که مؤمنین کاری نکرده‌اند ولی پیروز شدند.

- بسیار مهم: برای بیرون آمدن ظلمات به سمت نور بهترین ابزار، ذکر ایام‌الله است. (ماجرای سوره مبارکه حشر یکی از ایام الله است که مؤمنین توانستند بنی‌قریظه را بگیرند)

- در صراط‌سازی، برای بیرون آمدن از ظلمات به سمت نور، باور خداوندی که غیب است باید برای جامعه جا بیفتد که بهترین ابزار آن «ذکر ایام‌الله» است.

- در تاریخ هر قومی روزهایی وجود دارد که ایام‌الله‌اند و می‌توان دست غیب را در آن روزها به خوبی مشاهده کرد. مانند ماجرای طیس، ۲۲ بهمن و ... باید دست غیب را برای خودمان یادآوری کنیم.

- در نظام‌سازی توجه به ایام‌الله فرمولی بسیار مهم است. برای نهادینه کردن ایمان و اعتقاد در یک جامعه یکی از کارها پرداختن به تقویم است. باید برای روزها اسم گذاشت.

- ذکر ایام‌الله در جامعه باید دائماً صفت «صبر» و «شکر» ایجاد کند یعنی آدم‌ها دائماً خدا را شکر کنند که چنین اتفاقی افتاد و سپس روحیه صبر در آنها جاری می‌شود.

- حضرت علامه آیات ۶ تا ۱۸ را دسته دوم در نظر گرفته‌اند:

دسته دوم آیات ۶ تا ۱۸:

وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ اُنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدْبِحُونَ اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۶)

و آن‌گاه که موسی به قوم خود گفت: نعمت خدا را که بر شما ارزانی داشت به یاد آورید، آن‌گاه که شما را از فرعونیان نجات داد که بر شما عذاب سخت روا می‌داشتند و پسرانتان را سر می‌بردند و زنانان را زنده می‌گذاشتند، و در این [برای شما] از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود.

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۷)

و آن‌گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید، البته نعمت شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی کنید عذاب من بسیار سخت است.

وَ قَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (۸)

و موسی گفت: اگر شما و هر که در زمین است همگی کافر شوید، به یقین خدا بی‌نیاز و شایسته ستایش است.

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أُنْدِيَهُمْ فِي أَقْوَاهِهِمْ وَ قَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَ إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ (۹)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آنان بودند و تنها خدا آنها را می‌شناسد، به شما نرسیده است؟ پیامبرانشان دلایل روشن برایشان آوردند، ولی آنها دست بر دهان گرفتند و گفتند: ما به آنچه شما مأموریت دارید کافریم و از آنچه ما را بدان می‌خوانید سخت در شکیم.

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِی اللَّهِ شَكُّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنَّا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَآتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (۱۰)

پیامبرانشان گفتند: مگر در باره‌ی خدا- پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین- شکی هست؟! شما را دعوت می‌کند تا بخشی از گناهانتان را ببخشاید و اجل شما را تا مدتی معین به تأخیر اندازد. گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید، می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند بازدارید پس برای ما حجتی آشکار بیاورید.

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

پیامبرانشان به آنها گفتند: ما جز بشری مثل شما نیستیم، ولی خدا بر هر که از بندگانش بخواهد منت می‌نهد [و مقام رسالت می‌دهد]، و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما معجزه‌ای بیاوریم، و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند و بس.

وَ مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا أَدَّيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲)

و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آن‌که ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است؟ و ما بر آزاری که به ما رساندید البته صبر خواهیم کرد، و اهل توکل باید تنها بر خدا توکل کنند.

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ اَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَتُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳)

و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانشان گفتند: [یا] شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم، یا به کیش ما باز می‌گردید. پس پروردگارشان به آنها وحی کرد که حتما ستمگران را هلاک خواهیم کرد.

وَ لَتَسْكُنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ (۱۴)

و قطعاً شما را پس از ایشان در [آن] سرزمین اسکان خواهیم داد. این برای کسی است که از مقام من بترسد و از تهدیدم بیمناک باشد.

وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۱۵)

و آنها پیروزی خواستند و [سرانجام] هر زورگوی لجوجی ناکام شد.

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَىٰ مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ (۱۶)

از پشت سرش جهنم است و از آب چرک و خوش می‌نوشانند.

يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (۱۷)

آن را جرعه جرعه می‌نوشد و نمی‌تواند آن را فرو برد و مرگ از هر طرف به سویش می‌آید اما مردنی نیست و عذابی سنگین به دنبال دارد.

مِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَغْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (۱۸)

مثل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند، اعمالشان همچون خاکستری است که در روز طوفانی باد شدیدی بر آن بوزد که به چیزی از آنچه کسب کرده‌اند دست نیابند.

- آیه ۶: حضرت موسی (ع) در این آیه یکی از ایام‌الله‌های آن قوم را ذکر می‌کند.
- آیه ۷: اگر کسی ایام‌الله را شکر کند، خدا آن را زیاد می‌کند. (توجه: خدا شما را زیاد می‌کند زیرا ضمیر کم آمده است)
- توجه: ایام‌الله، آیات کبرای خدا هستند.
- در آیه ۷ معنای «کفر» مشخص می‌شود زیرا کفر به معنای هر شکر نکردنی است.
- آیه ۸: این آیه نشان می‌دهد که ایام‌الله اتفاق افتاده و آنها دست خدا را دیده‌اند و نه تنها ایام‌الله مایه‌ شکرشان نیست بلکه دست خدا را هم در رقم زدن دوباره این ایام‌الله بسته می‌بینند.
- ایام‌الله اگر ذکر نشوند در ادامه تبدیل به اسطوره و داستان می‌شوند.
- پیامبر (ص) به آنها می‌گوید: اگر همه شما به ایام‌الله پشت کنید، از شکوه خدا سر سوزنی کم نمی‌شود و ... (إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ)
- توجه: «غنی حمید» با هم ذکر شده، زیرا بی‌نیاز بودن خدا ستودنی است. باید توجه داشت که تحقق حمد، همیشه با شکر همراه است. اگر چیزی را حمد کنیم اما شکر نکنیم در واقع حمد انجام نشده است.
- آیه ۹: آن ماجرا از گذشته بوده است. چنین نقل‌هایی که اقوامی بودند و این مطالب را شنیدند، مهم است.
- توجه: خدا نصرت مؤمنین را حقی بر خود دانسته است لذا ما باید نگران مؤمن بودن خودمان باشیم نه نگران نصرت خدا. وقتی خدا یکبار نصرت خود را در ایام‌الله به ما نشان داده است قطعاً باز هم می‌تواند نصرت کند.
- خدا در عالم از انسان‌ها «اعتماد» می‌خواهد. خدا واقعاً اعتماد کردنی است.
- آیه ۱۰: گاهی انسان‌ها چقدر ناجوانمرد و بی‌انصاف می‌شوند. پیامبر (ص) به آنها می‌گوید: «مگر درباره خدا - پدید آورنده آسمان‌ها و زمین - تردیدی هست؟ او شما را دعوت می‌کند تا پاره‌ای از گناهانتان را بر شما ببخشد و تا زمان معینی شما را مهلت دهد». آنها در جواب پیامبرشان گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید. می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید، پس برای ما حجتی آشکار بیاورید.» ممکن است برای انسان‌ها اتفاقی بیفتد که نه تنها ایام‌الله برایشان تذکر نباشد بلکه در ایام‌الله تردید کنند و آن را مسخره کنند. اگر انسان ایام‌الله را ذکر نکند به راحتی آن را به اسطوره و قصه تبدیل می‌کند و بعد هم آن را انکار می‌کند.
- آیه ۱۱: انبیاء تا چه حد با کرامت و مناعت طبع با افراد برخورد می‌کنند. وقتی مردم همه چیز را انکار می‌کنند آنها را به فاطر سماوات والارض توجه می‌دهند. نبی به مردم می‌گوید: «من شما را می‌خوانم و برایتان استغفار می‌کنم و کاری می‌کنم که نواقصتان برطرف شود.»
- انبیاء به اقوامشان می‌گویند: ما ادعا نکردیم بشری مثل شما نیستیم بلکه خدا فضلی کرده که می‌توانیم از غیب به شما خبر دهیم و برای شما اخبار بیاوریم.
- پاسخ انبیاء به اقوامشان بسیار مهم است. آنها نگفتند: شما چرا سلطان‌های قبل را ندیدید. همه دغدغه آنها این است که به اقوامشان بفهمانند که وجود سلطان، ایام‌الله، سلطنت و ... کار بشر نیست بلکه فقط و فقط کار خداست. «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» و مؤمنون باید به خدا اعتماد کنند.
- «توکل» یعنی خدا بس است. اما از مسیر توکل دو انحراف وجود دارد. انحراف اول این است که افراد فکر می‌کنند توکل کردن یعنی «تدبیر نکردن». در حالی که آنکه به خدا اعتماد می‌کند قوانین خدا را نیز اتجام می‌دهد و زیر پا نمی‌گذارد و لذا وقتی خدا گفته

اگر مریض شدید دکتر بروید، این کار را انجام می‌دهد. پس انحراف اول این است که افراد از اسباب استفاده نمی‌کنند و نام آن را «توکل» می‌گذارند و انحراف دوم این که عده‌ای دیگر از اسباب استفاده می‌کنند و به آن دل بسته‌اند ولی می‌گویند: توکل کرده‌ایم. - توجه: «توکل» یعنی از اسباب استفاده می‌کنیم اما به آنها اعتماد نداریم. حکم خدا مافوق اسباب است. لذا توکل واقعاً عینی است. «توکل» یعنی انقطاع از غیر، بنابراین توکل کردن اصلاً شعاری نیست.

- در توکل انسان باید «تدبیر» کند اما نباید به تدبیر خود اعتماد کند. «توکل» نقطه حساسی در ایمان است. - «تدبیر» یعنی برنامه‌ریزی کردن برای استفاده از اسباب و «توکل» یعنی در عین برنامه‌ریزی برای استفاده از اسباب، هیچ اعتمادی به اسباب نداریم.

- آیه ۱۲: من چگونه می‌توانم به خدا توکل نکنم در حالی که خدا هر هدایتی در عالم را به من داده است. جلوه توکل انبیاء، «صبر» بر اذیت‌هایی است که به آنها می‌شود. توکل به خدا در انسان پایداری ایجاد می‌کند. - وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ: حضرت علامه طباطبایی درباره این جمله می‌فرمایند:

و جمله "وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ" مطلب را ترقی داده، می‌فهماند که نه تنها ما باید چنین باشیم، بلکه هر کسی که دارای توکل به خداست باید وصفش چنین باشد، چه مؤمن و چه کافر، زیرا غیر او دلیل و راهنمای دیگری نیست، هر چند که غیر مؤمن نمی‌تواند متوکل حقیقی باشد، چون کسی که دارای توکل حقیقی است، فکر می‌کند که همه امور به دست خداست و با چنین فکری جز اطاعت در آنچه دستور می‌دهد و دست برداشتن از آنچه نهی می‌کند و رضا به آنچه که راضی می‌شود و خشم بر آنچه که او را به خشم در می‌آورد چاره‌ای ندارد و این همان ایمان است.

- انشاء الله خدا ما را به برکت سوره مبارکه ابراهیم جزء متوکلین در عالم قرار دهد و ما را جزء مؤمنین حقیقی قرار دهد که به خدا توکل می‌کنند. بدون توکل بر خدا زندگی ثبات و آرامش ندارد و انسان مطلقاً در زندگی رنگ خوش نخواهد دید.

رنگ دوم:

آیه ۱۳: کار به جایی رسید که آنها به رسولانشان گفتند این شهر یا جای ماست یا جای شما. از این شهر بیرون روید. البته خدا وحی کرده که حتماً ظالمین را هلاک خواهد کرد.

- آیه ۱۴: و البته سکونت بر روی زمین برای مؤمنین و انبیاء خواهد بود. البته مؤمنین نسبت به وعده و وعیدهای خداوند خوف دارند. یعنی چنین اتفاقی برای انسان دارای خشیت، می‌افتد و او از به هلاکت رسیدن دیگران خوشحال نیست بلکه خودش نیز از مقام پروردگار و وعیدهای خدا در وجودش خوف است. او خودش را مقهور قوانین خدا می‌داند لذا اتکانش به او و از او نیز خوف دارد. - آیه ۱۵: سرانجام انبیاء پیروز خواهند شد و بدبختی و شومی هر جبار عنیدی را خواهید دید.

- آیه ۱۶: و رای همه این عنادها چیزی جز جهنم و محرومیت نیست که نصیب افراد شود. آبی خواهند خورد که خوردنش نه تنها عطشی برطرف نخواهد کرد بلکه جز تنفر و اشمئزاز چیزی نصیبشان نخواهد شد. اینها همه دستاورد این است که دست خدا وجود داشت ولی آنها نمی‌خواهند ببینند.

- آیه ۱۷: آنها روزی صد بار آرزوی مردن می‌کنند و تا دم مرگ هم می‌روند ولی حاشا از اینکه بمیرند و راحت شوند. یعنی عذاب دائمی همواره با آنها هست. حس آرزوی مرگ کردن و تا دم مرگ رفتن دائماً هست اما خودِ مرگ اتفاق نمی‌افتد تا راحت شوند. ذلیلانه زندگی می‌کنند و ذلیلانه هم ادامه خواهند داد. ذلیلانه این است که هر معادله‌ای را به حساب آورند الا وجود دستِ خدا.

- آیه ۱۸: همه کاری که بدون توکل، اعتماد، باور به خدا، باور به ایام الله و ... انجام می‌دهند، حکم خاکستر دارد که در معرض جریان طوفان قرار می‌گیرد.

- حضرت علامه آیات ۱۹ تا ۳۴ را دسته سوم در نظر گرفته‌اند:

دسته سوم آیات ۱۹ تا ۳۴:

<p>أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَاءُ يَذْهَبِكُمْ وَأَيُّهَا الْخَالِقِينَ (۱۹)</p> <p>آیا ندیدی که خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است؟ اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد.</p>
<p>وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۲۰)</p> <p>و این بر خدا دشوار نیست.</p>
<p>وَبَرِّزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنَ مَحِيصٍ (۲۱)</p> <p>و [در قیامت] همگی در برابر خدا حاضر شوند. پس ضعیفان به گردنکشان گویند: ما پیروان شما بودیم، آیا شما [می‌توانید] چیزی از عذاب خدا را از ما دفع کنید؟</p>
<p>وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتَكُمْ فَأَخْلَقْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَا تَلْمُزُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)</p> <p>و شیطان هنگامی که کار از کار گذشت، گوید: در حقیقت خدا به شما وعده‌ی راست داد، و من هم به شما وعده‌ی دادم و با شما خلاف کردم، و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز این که شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من آنچه را که پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می‌نمودید منکرم. همانا ستمکاران عذابی پر درد خواهند داشت.</p>
<p>وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّةً فِيهَا سَلَامٌ (۲۳)</p> <p>و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، به بهشت‌هایی در آورده می‌شوند که از پای درختانش نهرها جاری است که به خواست پروردگارش در آن جا جاودانه به سر می‌برند، و درودشان در آن جا سلام است.</p>
<p>أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْنُفًا تَابِتًا وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴)</p> <p>آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده است؟ گفتار و اعتقاد پاکیزه مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است.</p>
<p>تُؤْتِي أَكْثَرَهَا كُلًّا حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵)</p> <p>[و] میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد، و خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند، شاید متوجه شوند.</p>
<p>وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶)</p> <p>و مثل گفتار ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد.</p>
<p>يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۷)</p> <p>خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخن و اعتقاد استوار ثابت می‌گرداند، و ستمگران را گمراه می‌کند و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد.</p>
<p>أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ (۲۸)</p> <p>آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت و نابودی در آوردند؟</p>
<p>جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيُسَّ الْقَرَارُ (۲۹)</p> <p>[همان] جهنمی که وارد آن می‌شوند و بد قرارگاهی است.</p>
<p>وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ (۳۰)</p>

و برای خدا ماندهایی قرار دادند تا [مردم را] از راه او گمراه سازند. بگو: [اکنون] برخوردار شوید که قطعاً بازگشت شما به سوی آتش است.

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ (۳۱)

به بندگانی که ایمان آورده‌اند بگو نماز را بر پا دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم در نهان و آشکار انفاق کنند پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه رفاقتی.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْآنَهَارَ (۳۲)

خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد، و کشتی را مسخر شما کرد تا به فرمان او در دریا حرکت کند، و نهرها را مسخر شما نمود.

وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۳۳)

و خورشید و ماه را که پیوسته در حرکت‌اند به تسخیر شما در آورد و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت.

وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِن تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (۳۴)

و از هر آنچه از او خواسته‌اید به شما داده است و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید [همه] آن را به شمار آورید. حقا که انسان ستم پیشه ناسپاس است.

- آیات ۱۹ و ۲۰: خدا همه چیز است و باید بپذیریم که خدا همه چیز است، فلذا محبت نباید غیر از خدا خرج چیز دیگری شود. لذا دوست داشتن هر چیزی در عالم باید ذیل دوست داشتن خدا باشد.

- آیه ۲۱: در نظام طاغوت عده‌ای رهبری می‌کنند و عده‌ای تبعیت و گروهی بسترسازی می‌کنند. عده‌ای مستکبرند و عده‌ای مستضعف و ... ایام الله‌ها چنان واضح است که از عذاب مستکبرین اصلاً کم نمی‌کند و ضعفا نیز چون ضعیف بودند از عذابشان کم نمی‌شود. چون در ایام الله دست خدا بسیار واضح بود. با ایام الله حجت بر مستضعفین تمام شد.

- قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُ غْنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنَ مَحِيصٍ: مستکبرین در قیامت نیز استکبار دارند لذا نمی‌گویند: خدایا ما را ببخش، بلکه می‌گویند: اگر خدا ما را هدایت کرده بود شما را هدایت می‌کردیم. البته بالاخره می‌فهمند که چه صبر کنند و چه نکنند راه فراری وجود نخواهد داشت.

- آیه ۲۲: «شیطان» از همه نامردتر است زیرا می‌گوید: خدا به شما وعده درست داده بود و من به شما وعده نادرست دادم چرا حرف مرا گوش کردید؟ فلذا چگونه می‌توان به یک دشمن نامرد اعتماد کرد؟!!

- شیطان می‌گوید: من بر شما هیچ سلطانی نداشتم یعنی من هیچ دلیل محکمه پسندی برای گناه کردن شما اقامه نکردم، من فقط گفتم بیاید و شما هم آمدید.

- فَلَا تَلْمُزُونِي وَ لَوْ مَوَا أَنْفُسَكُمْ: بیهوده مرا ملامت نکنید.

- مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي: من به درد شما نمی‌خورم و نمی‌توانم به داد شما برسم و شما نیز نمی‌توانید به داد من برسید.

- إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ: از همه دردناک‌تر این است که شیطان می‌گوید: من از همه کارهای پستی که شما انجام دادید اعلام برائت می‌کنم.

- از آیه ۲۳ بحث شجره طیبه و خبیثه مطرح می‌شود که انشاء الله جلسه آینده توضیح داده خواهد شد.

- انشاء الله خدا در تمامی شئون، زندگی همراه با تحیت از جانب خودش و زندگی همراه با ذکر خود را برای ما به طور ثابت و دائم عطا کند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللهم صل على محمد وآل محمد و الحمد لله رب العالمين